

تأثیر عوامل آموزشگاهی در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان

دکتر امیرحسین کیدوری

استادیار دانشگاه حکیم سبزواری

akayzouri@gmail.com

محمدرضا رضائی والا

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار

Rezaee.partizany@gmail.com

زهره مقدم

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار

Rezaee.partizany@yahoo.com

فاطمه معصومی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار

Rezaee.partizany@chmail.com

1

چکیده

امروزه در عصر گسترش روزافزون علوم و فنون حاکمیت صنایع و تکنولوژی برتر بر همه‌ی ابعاد و جنبه‌های زندگی، مسئله‌ای که بیش از هر چیز دیگر توجه کارگزاران جوامع را به خود جلب کرده است. مسئله‌ی خلاقیت، نوآوری، هدایت و حمایت از صاحبان اندیشه‌های خلاق است. خلاقیت به سبک‌ها و صورت‌های مختلف هنری، احساسی، کلامی، عاطفی، عقلانی، ابزاری و غیره می‌تواند وجود داشته باشد. هیچ فردی نمی‌تواند بر اساس نظر و دیدگاه فردی و غیرعلمی خودش آن را تنها به یک‌شکل و صورت عنوان کند و تنها ساختن یک وسیله یا ابزار تازه مکانیکی نباید خلاق بودن یک انسان را نشان دهد. در این مقاله مفهوم خلاقیت تعریف و تشریح شده است. و همچنین به ایجاد تفکر خلاق در دانش‌آموزان و ضرورت آن برای نو شدن و تازگی در مسیر زندگی پرداخته است. همچنین ویژگی‌های افراد خلاق، عوامل آموزشگاهی موثر در پرورش خلاقیت، ویژگی‌های معلم خلاق، موانع به وجود آمدن خلاقیت در دانش‌آموزان، و در فرزندان بیان شده و در پایان چگونگی نقش والدین در ایجاد و پرورش خلاقیت، و عوامل کلی پرورش خلاقیت مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بروز خلاقیت و پروراندن آن در دانش‌آموزان به عوامل مختلفی بستگی دارد. معلم به عنوان مهم‌ترین عامل در ایجاد خلاقیت در دانش‌آموزان می‌تواند با تغییر در ساختار فیزیکی کلاس، ایجاد ساختار مناسب فکری در کلاس، و تغییر در ساختار آموزشی به پرورش تفکر خلاق در دانش‌آموزان بپردازد.

کلیدواژه‌ها: خلاقیت، ویژگی‌های افراد خلاق، موانع خلاقیت، عوامل آموزشگاهی، نقش والدین

دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

مقدمه

خلاقیت عبارت است از طی کردن راهی تازه یا پیمودن یک‌راه قبلاً طی شده به طرز نوین نکویی (۱۳۷۸) و ساعتچی (۱۳۷۷) خلاقیت را تشخیص - بصیرت - دریافت مدرک و انتخاب نامیده است. همچنین «گیل فورد» خلاقیت را نوعی توانایی فکری می‌داند و معتقد است که اطلاعات گذشته به هم نزدیک می‌شود و محصول جدید ایجاد می‌کند. به تعبیری خلاقیت، بزرگ‌ترین عصیان در عالم هستی است. برای خلق کردن باید از همه قیدوبندها رها شد، فرد زمانی می‌تواند خلاق باشد که فردیت خویش را دریابد، فرد خلاق نمی‌تواند راه‌رفته را طی کند بلکه باید راه خود را بیابد و تنها گذر کند. می‌توان با نابود ساختن ذهن جمعی، تک‌تک افراد را آزاد ساخت تا بتوانند خودشان باشند.

خلاقیت به سبک‌ها و صورت‌های مختلف هنری، احساسی، کلامی، عاطفی، عقلانی، ابزاری و غیره می‌تواند وجود داشته باشد. هیچ فردی نمی‌تواند بر اساس نظر و دیدگاه فردی و غیرعلمی خودش آن را تنها به یک‌شکل و صورت عنوان کند و تنها ساختن یک وسیله یا ابزار تازه مکانیکی نباید خلاق بودن یک انسان را نشان دهد. وقتی ما خلاقیت و نوآوری را تنها در یک بعد ملاحظه نکنیم متوجه می‌شویم که ملاصدرا و ابوعلی سینا نیز چون ادیسون انسان‌های خلاق بوده‌اند. بنابراین خلاقیت هم از نظر نوع و هم از نظر فاعل و عامل خلاقیت وسیع و گسترده است.

2

اساس نوآوری و خلاقیت در نواندیشی نهفته است. بنابراین دانش‌آموز، معلم، مدیر و والدین اگر نواندیش نباشند، نمی‌توانیم در جهت خلاقیت آنان تلاش کنیم. به همین دلیل مفهوم نواندیشی که با تغییر در سازمان‌بندی ذهنی بسیار همپوشی و نزدیکی دارد اولین گام حرکتی ما در رشد خلاقیت و نوآوری آموزشی است. به عبارت دیگر شرط اول دستیابی به خلاقیت و نوآوری آموزشی ایجاد تغییر در سازمان‌بندی ذهنی است (کردی، ۱۳۷۹).

تعریف خلاقیت

از خلاقیت تعاریف متعددی به عمل آمده است. در فرهنگ‌های لغت فارسی خلاقیت به معنای آفریدن، به وجود آوردن و آفرینش به کاررفته است. در این مقاله به بعضی از تعاریف خلاقیت اشاره می‌شود: خلاقیت به معنای توانایی ترکیب ایده‌ها در یک روش منحصر به فرد یا ایجاد پیوستگی بین ایده‌هاست (زارعی، ۱۳۷۳).

خلاقیت عبارت است از به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید (رضایان، ۱۳۷۴).

خلاقیت عبارت است از توانایی تجسم، پیش‌بینی و ایجاد ایده‌ها (خاکی، ۱۳۷۵). «هنری پو آنکاره» ریاضیدان بزرگ فرانسوی (۱۹۴۸) می‌گوید: خلاقیت یعنی تشخیص، تمیز، بصیرت، دریافت، درک و انتخاب (ساعتچی، ۱۳۷۱).

خلاقیت واژه‌ای عربی است که ریشه آن «خلق» به معنی آفریدن است. در لغت‌نامه دهخدا، خلاقیت به معنای خلق کردن و به وجود آوردن است و فرد خلاق شخصی است که دارای عقاید نو باشد. در فرهنگ وبستر (۲۰۰۳)، خلاقیت، قدرت و توانایی خلق و ایجاد مفاهیم یا به کارگیری آن در شکل جدید از طریق مهارت‌های ذهنی تعریف شده است (سام‌خانیا، ۱۳۸۴).

دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

خلاقیت^۱ به معنای خاص آن، به‌مثابه برترین ویژگی ذهنی انسان مولد و متفکر، خود نشانی است از رشد متعادل و متعالی از شخصیت و پاسخی است به نیاز همیشگی انسان به شکافتن بن‌بست‌ها و راه یافتن به فراترها (افروز، ۱۳۷۶).

خلاقیت توانایی یا قدرت ایجاد محصول نوین، از راه به‌کارگیری قدرت تصور و تحلیل ذکرشده است (هاریس، ۱۹۹۸). اکثر روانشناسان در این مطلب توافق دارند که خلاقیت به دستاوردهای تازه و ارزشمند اشاره دارد (ویسبرگ، ۱۹۹۲). آیزنک (۲۰۰۰) معتقد است خلاقیت فرایند روانی است که منجر به حل مسئله، ایده‌سازی، مفهوم‌سازی، ساختن اشکال هنری، نظریه‌پردازی و تولیداتی می‌شود که بدیع و یکتا باشند.

خلاقیت توانایی فرد برای تولید پاسخی به‌طور کامل نوین در مواجهه با مسائل است و پاسخ خلاق، نخست نباید شامل تکرار چیزی باشد که فرد در گذشته دیده یا شنیده است و دوم پاسخ باید مسئله را به‌گونه‌ای مناسب و سودمند حل کند» (تسبیح‌سازان، ۱۳۸۰).

گیل فورد نیز با نگاهی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی فرد خلاق، خلاقیت را مجموعه‌ای از توانایی‌ها و خصایصی می‌داند که موجب تفکر خلاق می‌گردد» (نیاز آذری و همکاران، ۱۳۹۰).

خلاقیت، توانایی فرد برای تولید پاسخی به‌طور کامل نوین در مواجهه با مسائل است و پاسخ خلاق، نخست نباید شامل تکرار چیزی باشد که فرد در گذشته دیده یا شنیده است و دوم پاسخ باید مسئله را به‌گونه‌ای مناسب و سودمند حل کند (تسبیح‌سازان، ۱۳۸۰).

گیل فورد نیز با نگاهی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی فرد خلاق، خلاقیت را مجموعه‌ای از توانایی‌ها و خصایصی می‌داند که موجب تفکر خلاق می‌گردد (نیاز آذری و همکاران، ۱۳۹۰).

اهمیت و ضرورت پژوهش

امروزه در عصر گسترش روزافزون علوم و فنون حاکمیت صنایع و تکنولوژی برتر بر همه‌ی ابعاد و جنبه‌های زندگی، مسئله‌ای که بیش از هر چیز دیگر توجه کارگزاران جوامع را به خود جلب کرده است. مسئله‌ی خلاقیت، نوآوری، هدایت و حمایت از صاحبان اندیشه‌های خلاق است. لذا بحث درباره‌ی خلاقیت به معنی سخن گفتن درباره‌ی بالارزش‌ترین و سرنوشت‌سازترین مفاهیم و پدیده‌هاست؛ بنابراین طرح چنین موضوع حیاتی در جامعه از اهمیت بسزایی برخوردار است. یکی از مهم‌ترین وظایف دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت کشور ما، تربیت افرادی است که وجودشان سرشار از خلاقیت در زمینه‌های مختلف باشد تا این افراد بتوانند در آینده بار مهمی از وظایف و مسئولیت‌های علمی، فرهنگی، هنری، اجتماعی جامعه را به دوش بکشند و یکی از مهم‌ترین مکان‌های آن می‌تواند در افراد خلاق بار آورد، محیط‌های آموزشی و به‌ویژه مدارس هستند و معلمان از جمله افرادی هستند که می‌توانند با تفکر خلاق سبب بروز خلاقیت دانش‌آموزان گردند و بالعکس می‌تواند با اعمال شیوه‌های نامناسب سبب عقیم ماندن خلاقیت آنان شوند (جلیلی، ۱۳۸۲).

پیشینه تحقیق

کریمی (۱۳۷۹) در پژوهش خود با عنوان بررسی رابطه خلاقیت با اضطراب، جنسیت، پیشرفت تحصیلی و منزلت اجتماعی گروهی دانش‌آموزان مقطع سوم راهنمایی به این نتیجه دست‌یافت که پسران نسبت به دختران از خلاقیت برتری برخوردارند.

¹ Creativity

دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

یانگ و چنگ (2009) در طی پژوهشی که انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که معلم می‌تواند با ایجاد موقعیت‌های پویا و با استفاده از شیوه‌های آموزشی خلاق زمینه ظهور خلاقیت دانش‌آموزان را فراهم کند، هم‌چنین این که استفاده معلمان از روش‌های خلاق تدریس منجر به رغبت بیشتر دانش‌آموزان به کلاس درس و در نتیجه پیشرفت تحصیلی خواهد شد. گنزور و جکسون (2001) در مطالعات خود به این نتیجه دست یافتند که یکی از عوامل اساسی در پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان، نوع نگرش معلمان به مسئله‌ی خلاقیت هست. این دو معتقدند که اغلب افراد خلاق، کمتر پیرو معلم و با او هماهنگ‌اند و رفتارشان غیرقابل پیش‌بینی است (حاتمی، 1389).

تحقیقات پارادو (2002) ثابت کرده است که معلمان آموزش‌دیده بر عملکرد خلاق، پیشرفت تحصیلی و رشد شناختی دانش‌آموزان تأثیر به‌سزا داشته‌اند و این تأثیر هم شامل دانش‌آموزان مستعد و هم غیر مستعد بوده است. پارادو با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌کند برای معلمان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه آموزش پیوسته و منظمی صورت گیرد (به نقل از حسینی، 1386).

عوامل آموزشی مؤثر در پرورش خلاقیت

همان‌گونه که اشاره شد، پرورش خلاقیت مستلزم فراهم ساختن امکانات مناسب و وجود زمینه‌های مساعد و مورد توجه قرار دادن عوامل مؤثر بر این توانایی است؛ از جمله عوامل آموزشی مؤثر بر خلاقیت عبارت‌اند از:

سازمان

سازمان‌های آموزشی و پرورشی می‌توانند محیطی را فراهم آورند تا ترغیب‌کننده خلاقیت و نوآوری بوده و رشد و پرورش خلاقیت را میسر سازند. چنین سازمان‌هایی، خود دارای ویژگی‌هایی از قبیل فرهنگ سازمانی خلاق، محیط خلاق، نیروی انسانی خلاق و رهبریت خلاق هستند. سازمان‌های خلاق از فرهنگ قوی و تشویق‌کننده برخوردار هستند و افراد را به سازمان و هدف‌های آن به‌گونه‌ای متمایل می‌کنند که آنان خود را جزئی از سازمان بدانند. تأکید اصلی چنین سازمان‌هایی بر روحیه کارآفرینی و تقویت زمینه‌های مناسب برای پرورش خلاقیت و نوآوری است. در محیط خلاق مسئولان آمادگی شنیدن اندیشه‌های بدیع و نوین را داشته و مشوق کاوش و جستجوی روش‌های نوین کاری هستند. افراد به یکدیگر اعتماد و اطمینان دارند و فضای کاری آرام و صمیمی فراهم است، به خلاقیت و نوآوری امتیاز داده می‌شود و هدف‌ها به‌طور مشخص تعیین شده و افراد برای تغییر آماده می‌شوند. از طرفی سازمان به‌خودی‌خود خلاق و نوآور نخواهد شد مگر آنکه افراد خلاق با خصوصیات و ویژگی‌های خاصی پیکره آن سازمان را تشکیل دهند و در نهایت وجود رهبری خلاق برای تأثیرگذاری در فرهنگ سازمان و ایجاد انگیزه در افراد کوشا ضروری به نظرمی رسد (سام خانیان، 1384).

مدیریت مدرسه

مدارس صحنه‌ی اجرای نوآوری است و شاه‌کلید تغییر و نوآوری در مدرسه‌ها در دست مدیران آن‌هاست (نامی، ۱۳۸۰). توانایی یا عدم توانایی مدیر مدرسه در خلق اوضاع و احوال مناسب، تعیین‌کننده اصلی اثربخشی در یک مدرسه قلمداد شده است. برخی از محققان نقش مدیر مدرسه را به‌عنوان عامل دگرگون‌کننده متغیرهای بررسی تأثیر شیوه‌های تدریس مبتنی بر تکنیک‌های خلاقیت در آموزش دانش‌آموزان ۲۳ اجتماعی، سازمانی و شخصیتی که تأثیر اساسی در عملکرد مدرسه دارند معرفی کرده‌اند (نامی، ۱۳۸۰).

دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

وارن بنیس و برت نوس پس از مصاحبه‌های متعدد با رهبران چندین کمپانی و عاملی که موجب نیرو گرفتن کارکنان می‌شود و «مدیران مدارس چنین نتیجه گرفتند که تعیین‌کننده شکست یا موفقیت یک سازمان است، رهبری آن می‌باشد.» (نقیبی فرد، ۱۳۸۰).

نقش مدیران در پرورش خلاقیت بسیار مهم شمرده شده است، مدیران خلاق می‌توانند خود و مدرسه تحت مدیریت خود را به‌مواجهه با مشکلات و بهره‌گیری از فرصت‌ها سازگار سازند و کمیت و کیفیت تصمیمات و فعالیت‌ها را افزایش دهند و دانش آموزان را از آموزش بهتری برخوردار نمایند (غلام پور، ۱۳۷۹).

در دهه ۱۹۸۰ شناخت سه سبک «تعامل مدیر معلم» مطالعه‌ای تحت عنوان مدیریت را به ارمغان آورد که بازگو کردن آن‌ها در اینجا به درک نقش اساسی مدیر در کیفیت فرایند آموزشی مدرسه کمک می‌کند. این سه سبک مدیریت که با مشاهده مدیران و مصاحبه با آنان در سه منطقه مختلف آموزشی در سه ایالت مختلف آمریکا در طول یک سال تحصیلی شناسایی و معرفی شده‌اند، عبارت‌اند از: سبک پاسخگویی؛ سبک گرداندگی؛ سبک آغازگری.

سبک پاسخگویی

مدیران دارای سبک پاسخگویی کسانی هستند که هیچ برنامه‌ای از پیش تعیین‌شده‌ای برای ایجاد تغییر و بهبود کیفیت یاددهی یا دیگری ندارند، طالب حفظ آرامش در مدرسه از طریق حفظ وضع موجود بوده و می‌کوشند تا از تبدیل مسائل کوچک به بزرگ‌تر جلوگیری کنند و به تعبیری بهترین خبر برای این مدیران این است که هیچ خبری نیست. این مدیران به اقدامات نوجویانه بی‌تفاوت هستند.

سبک گرداندگی

مدیران دارای سبک گرداندگی، به اجرای اقدامات نوآورانه کمک می‌کنند. هرچند مانند مدیران سبک پاسخگویی، با موضوع تغییر و تحول برخورد انفعالی دارند اما در برابر معلمان نوآور از خود واکنش مثبت نشان می‌دهند و از حرکت‌ها و اقدامات آنان حمایت می‌نمایند.

سبک آغازگری

مدیران دارای سبک آغازگر، بالاترین درجه توفیق را در اجرای نوآوری‌ها و ایجاد تغییر و تحول دارند. این مدیران نقش و رسالت اصلی خود را قرار گرفتن در موضع رهبری آموزشی می‌دانند و خود ابداع‌کننده یا آغازگر برنامه‌های تحول‌آفرین بوده و اجرای آن‌ها را از معلمان می‌خواهند و یا اینکه با خلق فضای مساعد و فرهنگ‌سازمانی مستعد تغییر، شوق و نشاط اصلاح و بهبود را در دیگران به وجود می‌آورند. این مدیران هرگز از کلاس درس فاصله نمی‌گیرند و به طرق مختلف بر کیفیت کار معلمان نظارت می‌کنند. (مهرمحمدی، ۱۳۷۵)

به نظر می‌رسد که توجه به این واقعیت، پاسخ به این سؤال که مدارس کشور ما کدام‌یک از سه سبک ذکرشده را توسط مدیران مورد استفاده قرار می‌دهند، می‌تواند گره‌گشای برخی مشکلات آموزشی گردد و خالی از فایده نباشد.

دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

معلم

اگر معلم آشنا به نظریه‌ها و اصول یادگیری نباشد و تدریس را تنها انتقال واقعیت‌های علمی بداند و تجارب یادگیری را منحصر به نشستن در کلاس، گوش دادن و حفظ کردن مطالب شنیده شده در کتاب تصور کند، بدیهی است که در تقویت کنجکاوی و پرورش استعداد و تفکر علمی شاگردان موفقیتی به دست نخواهد آورد و برعکس اگر معلم خود را در راهنما و ایجادکننده شرایط مطلوب یادگیری بداند و به جای انتقال اطلاعات، روش کسب تجربه را به شاگردان بیاموزد، آنان در برخورد با مسائل فعال‌تر خواهند شد، طرز کار با منابع مختلف را خواهند آموخت و در فرایند یادگیری، ابتکار و خلاقیت خود را به کار خواهند انداخت (شعبانی، ۱۳۷۱).

نقش معلم در پرورش خلاقیت دانش آموزان محوری است و او سکان‌دار علم و دانش می‌باشد. خصوصیات اصلی معلمان خلاق عبارتند از: ایجاد روحیه‌ی پژوهش در دانش‌آموزان، ایجاد انگیزه، ابتکار و تشویق دانش‌آموزان به فعالیت‌های غیر کلاسی، ایجاد علاقه به مطالعه، پرتحرک بودن و فعالیت و پویایی، نوآوری در طرح درس، پشتکار و جدیت، استفاده از حداقل امکانات جهت آموزش، داشتن ابتکار در تدریس، دارا بودن اعتمادبه‌نفس، انعطاف‌پذیری، استفاده از فعالیت‌های برنامه‌ی رسمی و غیررسمی، توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، استفاده از وسایل کمک‌آموزشی، منضبط بودن و داشتن دانش کافی (ریبعی و دیگران، ۱۳۹۴).

6

تعلیم و تربیت به یک معنا عبارت است از رشد قوه قضاوت صحیح در افراد. تقلید از دیگران یا پیروی از تمایلات و عادات، سبب رکود فکری و عجز او در برابر مسائل و مشکلات است. امروزه جامعه نیازمند افرادی است که فکر و خرد را حاکم بر اعمال و افکار خویش قرار می‌دهند و مشکلات را به گونه ابتکاری از سر راه خود برمی‌دارند. اجمالاً وظایف یک معلم در تحقق این هدف بدین شرح است:

۱. دانش آموزان را به داشتن ایده‌های بکر و نو تشویق نماید؛ ایده‌هایی که کم‌وبیش برای خود آن‌ها بکر است. ضمن پذیرش ایده‌های بکر، زمینه ابراز آن‌ها را فراهم کند. مثلاً می‌توان از دانش آموزان خواست که به جای ارائه گزارش ساده از یک کتاب، آن را شخصاً ارزیابی کرده و هر نظری که درباره آن دارند بیان کنند و یا این‌که فصلی از فصل‌های سال را توصیف کنند به‌طور کلی، نقاشی‌های آزاد، مقاله‌نویسی و نگارش داستان‌های کوتاه، زمینه ایده فرد و تفکر خلاق در دانش آموزان را بهتر فراهم می‌کند (شریعتمداری، ۱۳۹۳).

۲. مطالب درسی را به صورت مسئله و معما برای شاگردان طرح کند؛ مطالعه کتاب و یا گوش دادن به سخنان معلم، از برکردن حقایق علمی و تاریخی رشد قوه ابتکار شاگردان را به دنبال ندارد. معلم به جای بیان مطالب درسی یا ذکر حقایق علمی، باید دانش آموزان را به طرح مسائل ترغیب کند.

۳. معلم باید به دانش آموزان اجازه دهد تا مسائل، نظرات و ایده‌های خود را اعلام نمایند و این ایده‌ها را روی تخته کلاس درس نوشته و پس از طرح مسائل و ایده‌های خود به آنان اجازه دهد که این مسائل را نقد و بررسی نموده و مورد آزمایش قرار دهند.

موانع شش‌گانه خلاقیت

۱. موانع تاریخی: این دسته از عوامل شامل مفاهیم تاریخی یا فلسفی می‌باشند که افراد را از تفکر کردن بازمی‌دارند؛ مانند همه‌چیز در دست تقدیر است.

دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

۲. موانع اجتماعی: محیط اجتماعی می‌تواند موجب افت خلاقیت گردد، مانند جوامعی که کمرویی را تشویق می‌نمایند.
۳. موانع بیولوژیکی: مثال‌هایی چون هوش و خلاقیت ارثی است، در نتیجه نداشتن آن‌ها مانع تفکر است.
۴. موانع فیزیولوژیکی: این موانع ممکن است از نقایص بدنی یا ضرباتی که از بیماری و حوادث مختلف بر فرد وارد می‌شود، به وجود آیند.
۵. موانع روانی: موانعی که حاصل نظام روان‌شناختی فرد است؛ مانند: اضطراب، ترس از شکست.
۶. موانع کلان ساختاری: این عامل مربوط به ساختارهای کلان جامعه و حتی بین‌کشوری می‌شود (سام‌خانین، ۱۳۸۴).

عوامل بازدارنده خلاقیت

هرکسی می‌تواند از خود خلاقیت و نوآوری نشان دهد و این توانمندی در انحصار افراد خاصی نیست؛ اما عدم بروز خلاقیت در افراد به عواملی برمی‌گردد که لازم‌رشد خلاقیت، شناسایی عوامل بازدارنده ظهور خلاقیت است. در حقیقت جلوگیری از این عوامل مهم‌تر از وجود استعداد خلاقیت است.

۱. یکی از روان‌شناسان و صاحب‌نظر در خلاقیت شناسی موانع اصلی خلاقیت را به شرح زیر بیان نموده است: ۱. ارزیابی و انتظارات افراد؛ ۲. نظارت و مراقبت؛
۳. گرایش به پاداش‌های بیرونی؛ ۴. رقابت؛ ۵. انتخاب محدود (چراغ چشم، ۱۳۸۶).

راهکارهای ایجاد خلاقیت در دانش‌آموزان

معلم باید در جریان تدریس و فرایند تعلیم و تربیت، شیوه‌های مختلفی را به‌کاربرد؛ از جمله، روش حل مسئله، روش تهیه طرح یا پروژه، روش بحث آزاد و پروژه‌های گروهی و جمعی متناسب با موضوع و موقعیت درسی.

فعال شدن شاگردان در کلاس

کلاس‌های درس را می‌توان به‌جای «معلم محوری» به‌صورت «فراگیر محوری» اداره کرد؛ در کلاس فراگیر محوری، دانش‌آموز در امر یادگیری دخالت مستقیم و اساسی دارد. معلم راه‌های یادگیری را به شاگردان دیکته نمی‌کند، بلکه شیوه‌های مختلف یادگیری را پیش پای آنان قرار می‌دهد تا با استفاده از نیروی خلاقیت و ابتکار خود مسیر و روش یادگیری را جست‌وجو نمایند. به‌جای این‌که معلم برای دانش‌آموزان اطلاعات فراهم کند، بایستی آنان را در موقعیتی قرار دهد تا خود به جست‌وجوی اطلاعات بپردازند. معلم در این شیوه تدریس، راهنماست و نقش یاری‌دهنده و هدایتگر را ایفا می‌کند.

استفاده از روش بارش مغزی (brain Storming) اسبورن ۱۹۷۵

در روش بارش مغزی، پس‌ازاین‌که مسئله‌ای در کلاس ارائه شد، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا هر تعداد راه‌حل را که می‌توانند برای مسئله بنویسند. معلم پیش از ارائه همه راه‌حل‌ها به‌وسیله دانش‌آموزان، نباید هیچ‌گونه اظهارنظری در این خصوص بنماید. این روش، شبیه روش تداعی آزاد است که در روان‌کاوی مورد استفاده قرار می‌گیرد (سیف، ۱۳۹۵).

² Bola

دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

ایجاد زمینه تفکر

معلم باید زمینه‌ای فراهم کند که همه دانش‌آموزان تفکر نمایند و بدون نگرانی تفکرات خویش را اظهار نمایند. هرچند شاگردان در فرایند تفکر ممکن است اشتباه کنند، اما مهم، تفکر و پرورش فکر است. در این‌گونه کلاس‌ها پاسخ صحیح و غلط شاگرد برای معلم ارزش یکسان خواهد داشت؛ زیرا به‌رحال دانش‌آموز به تفکر واداشته شده است. به‌عبارت‌دیگر، باید به دانش‌آموزان اجازه داده شود تا اشتباهاتی را مرتکب شوند؛ زیرا ممکن است اشتباهات به بینش‌های مثمر ثمری منتهی شوند. معلم باید شرایط آموزشی را به‌گونه‌ای ترتیب دهد که شاگردان مطمئن شوند که اختلاف‌نظر آنان با معلم مشکلاتی برای آنان نخواهند داشت. به‌هیچ‌وجه نباید اندیشه‌های شاگردان را طرد نمود؛ چون در این صورت آنان به تفکر نخواهند پرداخت (شعبانی، 1391).

ارتباط با اذهان خلاق

گرچه معلم تا حد زیادی می‌تواند ذهن دانش‌آموز را تحریک کند، اما این امر کافی نیست. گفتار و کردار هنرمندان، متفکران و رهبران مشهور از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تحریک انرژی خلاق در دیگران است. شاعران، مورخان، سیاستمداران و دانشمندان بزرگ، در قرون گذشته، از طریق آثار مکتوب خود با ما سخن می‌گویند. آتش خلاق آنان می‌تواند شعله آفرینش‌گری دانش‌آموزان را برافروزد و روح اشتیاق رقابت را در آنان بدمد (اف نلر، 1369). برای پیش‌گیری از احساس حقارت دانش‌آموزان در برابر بزرگان، باید به آنان گفته شود که انسان‌های بزرگ هم از اول خلاق نبودند، بلکه با تلاش، پشتکار و پرورش این قوه توانسته‌اند ابتکارات، نوآوری‌ها و آفرینندگی را در وجود خود شکوفا سازند. با شناخت نحوه زندگی و مراحل رشد دانش‌آموزان، می‌توان از بروز و پیدایش این احساس در آن‌ها پیش‌گیری نمود.

تشویق اندیشه‌ها و پیشرفت‌های بکر و ناب

با پرسش‌های هرچند غیرمعارف دانش‌آموزان، باید برخوردی دقیق و حساب‌شده داشت؛ اگر دانش‌آموزی ایده غیرممکنی را بیان کرد، به‌جای واقع‌گرایی باید در این تخیل دانش‌آموز وارد شد. مثلاً، اگر کودکی بگوید: سگ من کتابی نوشته است، معلم جواب دهد: واقعاً؟! حتماً کتاب به مردم توصیه می‌کند که با سگ‌ها چگونه رفتار کنند. سپس بچه‌های دیگر می‌توانند اظهارنظر کنند که دنیا در نظر یک سگ ممکن است چگونه باشد و چطور می‌شود امور را بهبود بخشید و... باید به کودکان عملاً نشان داد که عقاید آنان مورداحترام است. اندیشه‌ها و راه‌حل‌های غیرمعقول برای مسائل را باید با احترام تلقی کرد. فرصت داد تا به‌طور مستقل یاد بگیرند، آزادانه فکر کنند و به اکتشافات پردازند (شریعتمداری، 1393).

منابع

- افروز، غلامعلی، 1393، چکیده‌ای از: روان‌شناسی تربیتی کاربردی، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
اف نلر، جورج، 1369، هنر و علم خلاقیت، شیراز، دانشگاه شیراز.
خاکی، غلامرضا، 1375، تأثیر آموزش‌های کاربردی در افزایش خلاقیت، مجله مدیریت (انجمن مدیریت ایران) شماره 26.
جلیلی، منصوره، 1382، بررسی رابطه‌ی رضایت شغلی و میزان خلاقیت مدیران آموزشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه‌ی

دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

- آموزش عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
چراغ چشم، عباس، 1386، بررسی تأثیر شیوه‌های تدریس مبتنی بر تکنیک‌های خلاقیت در آموزش و یادگیری دانش‌آموزان، دو فصلنامه تربیت اسلامی، سال ۳، شماره ۵.
حسینی، افضل السادات، 1386، بررسی برنامه آموزش خلاقیت معلمان بر خلاقیت، پیشرفت تحصیلی و خودپنداره دانش‌آموزان، فصل‌نامه‌ی نوآوری‌های آموزشی، سال ششم، شماره 23.
حاتمی، زهرا، 1389، راهبردهای افزایش خلاقیت در دانش‌آموزان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره‌ی ششم، شماره 2.
زارعی، حسن، 1373، خلاقیت و نوآوری، مجله دانش مدیریت، شماره 24.
ربیعی، مهدی؛ غلامی، زهرا؛ طالبیان، محمدحسن، 1394، خلاقیت بر فراز ابتدایی: راهکارهای ایجاد تفکر خلاق در دانش‌آموزان دوره ابتدایی، رشد آموزش مشاور خانواده، سال دوازدهم، شماره 4.
رضائیان، علی، 1374، اصول مدیریت، تهران، انتشارات سمت.
ساعتچی، محمود، 1371، خلاقیت و نوآوری برای حل مشکلات، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره 6.
سام‌خانین، محمد ربیع، 1384، خلاقیت و نوآوری در سازمان آموزشی، چاپ اول، تهران، انتشارات رسانه تخصصی.
سیف، علی‌اکبر، 1395، روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش، تهران، نشر دوران.
شعبانی، حسن، 1391، مهارت‌های آموزشی و پرورشی - جلد اول: (روش‌ها و فنون تدریس)، تهران، انتشارات سمت.
تسبیح‌سازان، رضا، 1380، روان‌شناسی رشد خلاقیت و ارتباط آن با شخصیت و هوش، فصلنامه رهیافت، شماره 26، زمستان. صص 17-30.
شعبانی، حسن، 1371، مهارت‌های آموزش و پرورش، تهران، سمت.
شریعتمداری، علی، 1393، روانشناسی تربیتی، تهران، امیرکبیر.
غلام‌پور، عباس، 1379، خلاقیت و شیوه‌های نو در اندازه‌گیری آن، مجله‌ی پژوهش‌های روان‌شناختی، شماره 1 و 2.
کریمی، علی، 1379، بررسی رابطه خلاقیت با اضطراب، جنسیت، پیشرفت تحصیلی و منزلت اجتماعی گروهی از دانش‌آموزان مقطع سوم راهنمایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
نامی، شمسی، 1380، نواندیشی و نوآوری بستری ب رای بالندگی آموزش و پرورش، پژوهشنامه‌ی آموزشی، شماره 39.
نقیبی فرد، محمد، 1380، اهمیت خلاقیت و روش‌های پرورش آن در ابتدایی، مجموعه مقالات جایگاه و نقش دوره ابتدایی در تعلیم و تربیت، قم، اداره‌ی کل آموزش و پرورش استان قم.
نیاز آذری، کیومرث، بری‌مانی ابوالقاسم و بیبی سعیده حاجی قلی‌خانی (۱۳۹۰)، بررسی نقش مدیریت دانش بر خلاقیت دبیران در مدارس. متوسطه فصلنامه مدیریت. سال هشتم. شماره 21، بهار، صص 79-87.

Eysenck, M.W. (2111). Cognitive Psychology a Student's Handbook. First published by psychology press Ltd.

Harris, R. (1333). Decision Simplification Techniques. Http: // www. Virtual salt. Com/ crebok 6a. Htm.

Weisberg, R. (1332). Creativity beyond the myth of genius. Freeman Company. New York.